

دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آفریقا؛ اهداف، راهبردها و نتایج

احمد جانسیز^{۱*}

عماد اصلانی^۲

چکیده

تحولات ترکیه از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸ باعث شده است تا مقامات و سیاست‌گذاران این کشور خود را در دوران متلاطمی از بحران‌های اقتصادی، رکود و انباشت تورم می‌دیدند، سعی در بازبینی اصول کمالیست در ترکیه داشته باشند. بر همین اساس پایه‌های اصلی دیپلماسی ترکیه از یک راهبرد غرب‌گرایانه به یک راهبرد دیپلماسی سیال بر پایه اقتصاد تغییر یافت و آفریقا به عنوان بخش لاینفکی از سیاست دیپلماسی اقتصادی این کشور بدل شد. اکنون دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آفریقا را می‌توان به عنوان یک ابزار و یا یک هدف در سیاست خارجی این کشور مورد توجه قرار داد. سؤال اصلی این مقاله این است که اهداف، راهبرد و نتایج اولویت یافتن دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ترکیه در آفریقا چیست؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه اصلی نوشتار حاضر این است که ترکیه برای افزایش عمق راهبردی خود، احتیاج به سیاست خارجی عملگرایانه در حوزه محیط پیرامونی خود دارد. لذا نگاه عملگرایانه به سیاست خارجی باعث می‌شود تا این کشور، آفریقا را به عنوان پایگاه اصلی سیاست پراگماتیسم خود به حساب آورد. این مقاله به دنبال آن است که عملکرد اقتصادی ترکیه در آفریقا در دوران پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان مورد ارزیابی قرار گیرد. روش پژوهش این مقاله با توجه به ماهیت آن، تبیینی است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، دیپلماسی اقتصادی، ترکیه، آفریقا، حزب عدالت و توسعه

DOI: 10.22034/ir.2022.276995.1937

۹۷

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره اول، شماره

پیاپی چهل و

چهارم، بهار ۱۴۰۱

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول)

* jansiz@guilan.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و چهار، صص ۱۳۶-۹۷

۱. مقدمه

ترکیه بعد از فروپاشی بلوک شرق و تجدید نظر در سیاست خارجی خود، یک سیاست فعال و واقعگرا را در پیش گرفت و در پی آن بود تا خود را به رتبه اول قدرت منطقه و الگویی برای جهان اسلام برساند. اما این هدف ترکیه مستلزم داشتن شرایط بسیاری است؛ علاوه بر قدرت نظامی باید از جنبه‌های دیگر از جمله فرهنگی، اقتصادی، ایدئولوژیک، جغرافیای جمعیتی و علمی نیز در سطح بالایی قرار داشته باشد. از این دیدگاه آفریقا به عنوان محلی برای رفع کاستی‌های اقتصادی ترکیه در این مسیر انتخاب شد.

سیاست اقتصادی ترکیه در آفریقا با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه با یک تغییر راهبردی رو به رو شد. تغییر دیدگاه آنکارا به آفریقا باعث شد تا این کشور میزان سرمایه‌گذاری‌های خود را در این قاره به شدت افزایش دهد. تلاش ترکیه برای افزایش و توسعه روابط خود با کشورهای آفریقایی سبب شد تا ۷ درصد صادرات این کشور در سال ۲۰۱۷ به این قاره اختصاص پیدا کند. از طرف دیگر، توسعه روابط میان ترکیه و آفریقا باعث شد تا بررسی مدل توسعه‌ی اقتصادی ترکیه در این قاره به عنوان یک نمونه از توسعه تقریباً "موفق مورد توجه واقع شود. لذا ما در این نوشتار سعی در بررسی اهداف، ابزار و راهبردهای ترکیه برای گسترش روابط اقتصادی خود با آفریقا خواهیم داشت. سؤال اصلی این مقاله این است که اهداف، راهبرد و نتایج اولویت یافتن دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ترکیه در آفریقا چیست؟ در پاسخ به این سؤال با دیدگاه و رویکرد تحلیلی-توصیفی به بررسی فرضیه اصلی نوشتار حاضر می‌پردازیم که ترکیه برای افزایش عمق راهبردی خود احتیاج به سیاست خارجی عملگرایانه در حوزه تمدنی عثمانی-آفریقایی دارد. لذا نگاه عملگرایانه به سیاست خارجی باعث می‌شود تا این کشور، آفریقا را به عنوان پایگاه مهم سیاست پراگماتیسم خود به حساب آورد. این مقاله به دنبال آن است که عملکرد اقتصادی ترکیه در آفریقا در دوران پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه را نیز مورد ارزیابی قرار دهد. ما در این چارچوب سعی خواهیم کرد با استفاده از اطلاعات موجود به مدلهایی برای دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آفریقا بپردازیم.

۱-۱- پیشینه پژوهش

دیپلماسی اقتصادی ترکیه در دو دهه گذشته به عنوان یکی از موضوعات جذاب برای پژوهشگران عرصه اقتصاد سیاسی به شمار می رود. در این مسیر کتاب ها و مقالات بسیاری نگاشته شده است که ما به برخی از آن ها به عنوان پیشینه پژوهش اشاره می کنیم. منابع مورد بررسی در پیشینه پژوهش به طو مختصر در جدول ذیل قرار گرفته است.

R	عنوان	نام نویسنده سال انتشار	خلاصه موضوعات
۱	Turkish Economic Policies and External Dependency	Hasan Saygin (2014) انتشارات: Cambridge Scholars Publishing	این کتاب با بررسی بحران های اقتصادی ترکیه از ۱۹۵۰ به بعد تلاش است تا تحلیلی نسبت به تصمیمات اقتصادی سیاستگذاران و نتیجه آن در استقلال و وابستگی اقتصادی ترکیه ارائه دهد.
۲	Turkey: Economic Reform and Accession to the European Union	Bernard M. Hoekman (2005) انتشارات: World Bank Publications	در این کتاب به برنامه های اصلاحات اقتصادی ترکیه می پردازد و مهمترین سیاست هایی که این کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا باید به آن بپردازد را مورد کنکاش قرار می دهد.
۳	Neoliberal Turkey and its Discontents	Fikret Adaman (۲۰۱۷) انتشارات: Bloomsbury Publishing	نویسنده در این کتاب با نگاه انتقاد به سیاست های اقتصادی ترکیه می پردازد و معتقد است این سیاست ها که رشد بالای تولید ناخالص داخلی را به همراه داشته است اما این سیاست ها بر محیط زیست، پایداری و سلامت بلندمدت اقتصاد ترکیه نیز تأثیر مخربی خواهد داشت. این کتاب با در نظر گرفتن دو بخش اصلی رشد در دهه گذشته - انرژی و ساخت و ساز - به عنوان تمرکز اصلی خود، به طور گسترده با اقتصاد سیاسی نابرابری و پایداری در ترکیه معاصر درگیر است. در نهایت بلکه با سیاست های معاصر دین، قومیت، جنسیت، و طبقه در چارچوب توسعه اقتصادی از بالا به پایین مدرنیزه می شود
۴	Insight Turkey ۲۰۲۱/۲: Turkey's Grand Strategy	Vakfi İktisadi İşletmesi (۲۰۲۱)	در این مقاله سعی شده است تا به بررسی سیاستگذاری های اقتصادی حزب عدالت و توسعه پرداخته شود و به نقش آن ها در افزایش سهم آنکارا در مدیریت جهانی پرداخته شود، در بخشی از این مقاله به نقش این سیاست ها در آفریقا اشاره می کند و آفریقا را به عنوان نقطه آغاز جهش اقتصادی ترکیه و استراتژی کلان این کشور بر می شمارد.
۵	Turkey's Political Economy in the ۲۱st Century	Emel Parlar Dal (۲۰۱۹) انتشارات:	این کتاب تنوع قابل توجهی را در چشم انداز اقتصاد سیاسی بین المللی ترکیه در دهه ۲۰۰۰ نشان می دهد.

<p>چارچوب سیاسی-اقتصادی داخلی، جایگزین‌های ابزاری و گسترش جغرافیایی. هم این که چگونه اقتصاد نوظهوری مانند ترکیه با چالش‌های داخلی و خارجی کنار می‌آید و هم این سوال که رشد اخیر ترکیه در سیاست جهانی واقعاً چقدر قابل توجه است را ارزیابی می‌کند. این جلد همچنین رشد اقتصادی و دگرگونی سیاسی ترکیه را در راستای تغییراتی که در اقتصاد جهانی رخ می‌دهد، از دوران اجماع واشنگتن تا عصر «مخلوط» یا «ترکیبی» کنونی توضیح می‌دهد که ویژگی‌های دوران پس از واشنگتن و پکن را در بر می‌گیرد. مشارکت کنندگان پیچیدگی سیاست ترکیه و شکنندگی آن در سطح اقتصاد سیاسی را به تصویر می‌کشند.</p>	Springer Nature		
<p>این کتاب بیانگر یک گزارش تاریخی و معاصر روشنگر از روابط ترکیه و چین، به ویژه در دوره‌های اولیه مورد بررسی، و همچنین در ردیابی تحولات نهادی بین این دو پس از تغییرات سیاسی داخلی ترکیه است. علاوه بر این، ترکیه و چین چگونگی واکنش این دو کشور به یکدیگر را در مورد مسائل حساس از جمله روابط ترکیه با تایوان و سیاست‌های چین در قبال اویغورهای ترک پوشش می‌دهند.</p>	<p>Selcuk Colakoglu (۲۰۲۱) انتشارات: World Scientific Publishing Company</p>	<p>Turkey And China: Political, Economic, And Strategic Aspects Of The Relationship</p>	۶
<p>این کتاب تحلیلی جامع و چند رشته‌ای از روابط ترکیه و آفریقا ارائه می‌دهد. نویسنده در این کتاب تحلیل انتقادی در مورد پایداری روابط ترکیه-آفریقا، از ادبیات قدرت رو به رشد استفاده می‌کند تا چگونگی مفهوم سازی و موقعیت نظری سیاست خارجی ترکیه را بررسی کند. با حرکت از بررسی ابعاد چندجانبه سیاست ترکیه در آفریقا با تمرکز بر ابزارهای قدرت نرم دیپلماسی عمومی، کمک‌های بشردوستانه/توسعه، فعالیت‌های مذهبی و دیپلماسی، ابعاد اقتصادی و نظامی سیاست ترکیه از جمله روابط تجاری، تجاری را روشن می‌کند. شیوه‌ها، همکاری امنیتی و گفتمان حفظ صلح مهمترین روش‌های ترکیه برای افزایش نفوذ خود در آفریقا است.</p>	<p>Elem Eyrice Tepeciklioğlu (۲۰۲۱) انتشارات: Taylor & Francis</p>	<p>Turkey in Africa</p>	۷
<p>آنچه در این مقاله به آن اشاره شده است، ایجاد چارچوب سیستماتیک برای اثرگذاری دیپلماسی اقتصادی با کشورهای آفریقایی است. در این میان استفاده از چهره اسلامی دولت ترکیه در آفریقا دید تازه‌ای به این مقاله داده است. نویسنده سعی دارد تا نقش اسلام را در دیپلماسی اقتصادی ترک‌ها در آفریقا مورد واکاوی قرار دهد.</p>	<p>A. Paolo (2015) انتشارات: African Studies Centre</p>	<p>Turkey in Africa: Where Economic Diplomacy Meets Islamic Appeal</p>	۸

<p>هدف این پایان نامه روشن کردن دیپلماسی اقتصادی ترکیه در دهه ۲۰۰۰ است. اصلیت این استدلالات پایان نامه این است که راهبرد دیپلماسی اقتصادی ترکیه در زمینه مربوطه بر پایه اقتصاد خارجی چند بعدی قرار گرفته است. از جمله یافته‌های کلیدی این پایان‌نامه این است که کاهش نسبی نظم بین‌المللی تحت رهبری ایالات متحده، ترکیه را با یک متغیر خارجی مواجه کرده است که درک نخبگان حاکم از تغییرات جهانی و دخالت فزاینده جامعه تجاری ترک‌ها در روابط اقتصادی خارجی ترکیه متغیرهای داخلی هستند. این پایان نامه از پنج فصل تشکیل شده است.</p>	<p>BATUHAN KURTARAN (2020) A THESIS SUBMITTED TO THE GRADUATE SCHOOL OF SOCIAL SCIENCES OF MIDDLE EAST TECHNICAL UNIVERSITY</p>	<p>ECONOMIC DIPLOMACY OF TURKEY</p>	<p>۹</p>
<p>نویسنده در این مقاله معتقد است به قدرت رسیدن سیاستمداران توسعه‌گرا موجب تغییر شاخص‌های توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی ترکیه شده است. بررسی روند تحولات این کشور نشان می‌دهد که دولت اسلامگرا با رهبری حزب عدالت و توسعه در این کشور توانسته است برخی موانع توسعه و رشد اقتصادی را از پیش رو بردارد و در یک دوره‌ی گذار حرکت خود را به سمت توسعه یافتگی ادامه دهد. عامل مهم در این زمینه برنامه ریزی برای رشد تولید داخلی بر اساس صادرات به خارج از کشور بوده است. در این زمینه دولت به عنوان عامل بازاریاب برای صنایع تولیدی عمل کرده است و بر طبق هدف خود توانسته است دیپلماسی اقتصادی فعالی را در سطح جهان و منطقه به پیش ببرد. ابعاد دیپلماسی اقتصادی ترکیه بر پایه حل مشکلات با همسایگان، بهره‌گیری از نخبگان اقتصادی، ارائه راهنمایی به شرکتهای خصوصی و حضور فعال و موثر در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی قرار دارد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی در این دوره باعث بهبود قابل ملاحظه شاخص‌های خرد و کلان توسعه اقتصادی در این کشور شده است.</p>	<p>نویسندگان: میرزائی، جلال؛ عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی؛ صدری علی‌بابالو، صیاد نشریه: تحقیقات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۹۳</p>	<p>ابعاد و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳</p>	<p>۱۰</p>
<p>در این مقاله با اشاره به راهبرد نگرش به شرق ترکیه نویسندگان معتقدند، ویژگی اصلی سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ سرد توجه به مناطق پیرامونی و به ویژه کشورهای اسلامی میباشد. ترکیه در حال کشف مناطقی است که قرابت‌های زیادی با آن‌ها دارد. تحت تاثیر مشترکات فرهنگی از قبیل دین و تاریخ مشترک و همچنین پتانسیل این مناطق برای سرمایه‌گذاری و کسب سود اقتصادی، ترکیه سیاست خارجی</p>	<p>کوشکی، محمدصادق؛ رنجبرمحمدی، مصطفی؛ نشریه: پژوهشهای سیاسی (۱۳۹۴)</p>	<p>منطقه‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ سرد (با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی و اقتصادی)</p>	<p>۱۱</p>

۱۰۱



دیپلماسی اقتصادی
ترکیه در آفریقا:
اهداف، راهبردها و
نتایج

<p>خود را در جهت افزایش حضور و تاثیرگذاری در مناطق پیرامونیش پیریزی نموده است. مسلماً تحولات داخلی ترکیه نیز بر تغییر جهت گیری سیاست خارجی این کشور تاثیر عمده ای گذاشته است. عدم تناسب ایده های ارائه شده از سوی آناتورک با هویت بومی مردم ترکیه و تاثیر عوامل خارجی چون انقلاب اسلامی ایران باعث شد تا پس از جنگ سرد احزاب اسلام گرا بیشترین سهم از قدرت سیاسی را در ترکیه داشته باشند. این احزاب در تغییر جهت گیری سیاست خارجی ترکیه به سمت کشورهای اسلامی و نقش اصلی را در نگرش جدید اقتصادی ترکیه داشته است.</p>		
---	--	--

۲. چارچوب نظری: دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی در دوران پس از جنگ سرد و گسترش فرآیند جهانی شدن مطرح شد و امروزه به عنوان یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند، کنش در فضای بین الملل در برابر دیپلماسی سنتی قرار گرفته است. اساس شکل گیری دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر کاستیهای دیپلماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست گذاری و تأمین منافع بازیگران دولتی و غیر دولتی عرصه بین الملل در چارچوب تعاملات فزاینده و چند وجهی اقتصاد جهانی است. بنابراین دیپلماسی ابزاری برای تأمین منافع طراحان و بازیگران دولتی و غیردولتی در عصر جهانی شدن است (موسوی شفقایی، ۱۳۸۶: ۵۰).

دیپلماسی اقتصادی به موضوعات سیاست کلان اقتصادی می پردازد و به دنبال تأمین اهداف و منافع توسعه ای کشور است. مسائلی از قبیل ثبات اقتصادی، امنیت غذایی، تأمین مسکن، مبارزه با فقر، حفظ محیط زیست، بهداشت و سلامت جامعه، آموزش، اشتغال آفرینی، سرمایه گذاری، سیاست های صنعتی، قانون رقابت و منطقه گرایی از مقوله هایی هستند که مورد توجه دیپلماسی اقتصادی است. در واقع دیپلماسی اقتصادی جدید پاسخی به چالش های نوظهور ناشی از جهانی شدن، تصمیم گیری داخلی و همکاریهای فزاینده بین همه بازیگران درگیر است.

از نظر برخی صاحب نظران دیپلماسی اقتصادی به مدیریت روابط اقتصادی بین دولت و دیگر بازیگران گفته می شود که توسط دولت یا عوامل غیرحکومتی هدایت می شود.

دیپلماسی اقتصادی فرآیندی است که از طریق آن، کشورها خود را به جهان بیرون وصل می‌کنند تا منافع ملی خودشان را در زمینه فعالیت‌هایی که شامل تجارت، سرمایه‌گذاری و سایر اشکال مبادلات سودآور اقتصادی که از مزیت نسبی در ابعاد دو جانبه، منطقه‌ای و چندجانبه برخوردارند، به حداکثر برسانند. در تعریف اصطلاح دیپلماسی اقتصادی باید گفت، به اقدامات رسمی دیپلماتیکی اطلاق می‌شود که بر روی افزایش صادرات، جذب سرمایه خارجی و شرکت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی تأکید دارند و در واقع فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که تأمین‌کننده منافع اقتصادی کشور در سطح بین‌المللی است (Baranay, 2009: 2). بنابراین دیپلماسی اقتصادی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزشمند و مناسب برای فهم توان، ضعف‌ها و مقاصد یک دولت توسعه‌یافته یا در حال توسعه است (Sklias, 2012: 288). دیپلماسی اقتصادی منافع اقتصادی یک دولت را در خارج از کشور و در اقتصاد جهانی گسترش می‌دهد. هدف عمده دیپلماسی اقتصادی، کمک به توسعه اقتصاد ملی است و کارکرد اصلی آن جستجوی اهداف اقتصادی با معیارهای دیپلماتیک است؛ خواه با ابزارهای اقتصادی یا غیر اقتصادی (Ploae, 2010). از این رو، باید توجه داشت که ترسیم یک دیپلماسی اقتصادی موفق بدون در نظر گرفتن اولویت‌های توسعه ملی از یک سو و درک منطق بازار جهانی، بسیار بعید به نظر می‌رسد. همچنین می‌توان گفت دیپلماسی اقتصادی به دنبال تأمین امنیت اقتصادی یک دولت در نظام بین‌المللی آنارشیست است. با این وجود، میتوان مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف دیپلماسی اقتصادی، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه را شامل تسهیل فضای کسب و کار تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، گردشگری، بهبود تصویر کشور و دستیابی به فناوری و علم دانست.

۱-۲. سطوح دیپلماسی اقتصادی

کشورها به عنوان بازیگران اصلی دیپلماسی اقتصادی، اگرچه در سطوح مختلفی در تکاپو هستند، اما می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی آن را در دو سطح داخلی و خارجی مورد تحلیل قرار داد.

۱-۱-۲. سطوح داخلی

سطح داخلی دیپلماسی اقتصادی به نوع و سطح بازیگران داخلی درگیر در دیپلماسی اقتصادی مربوط است. بازیگران درگیر در سطح داخلی را می‌توان در چارچوب دو سطح فردی و نهادی مورد بررسی قرار داد. بازیگران درگیر، در سطح فردی اگرچه شامل طیف گسترده‌ای از افراد می‌شوند، اما در یک تقسیم بندی کلان می‌توان آنها را در دو گروه جای داد: ۱- سطوح بالای نظام سیاسی (رهبر کشور، رئیس جمهور، نخست وزیر، وزرا و اعضای پارلمان)؛ ۲- سفرا و نمایندگان دیپلماتیک سطح پایین تر. کشورهای موفق در عرصه دیپلماسی اقتصادی، با توجه به اهمیت اقتصاد در مؤلفه های قدرت ملی معمولاً "کارکرد تلاش های دیپلماتیک رهبران را در راستای گشایش در مسیر رایزنی های فنی-دیپلماتیک نمایندگان اقتصادی و رایزنان تجاری تعریف می کنند تا برآیند این تلاش ها به تأمین منافع ملی در این عرصه منجر شود. بنابراین، اگرچه این تفکیک بدین صورت مطرح شده است، اما باید توجه داشت که کشورهایی می توانند در زمینه بهره گیری از ظرفیت های سیاسی برای پیشبرد منافع اقتصادی در عرصه بین المللی موفق باشند که این دو سطح به صورت منسجم و در تکمیل یکدیگر عمل کنند. علاوه بر سطوح فردی و شاید با اهمیت تر از آن، توجه به سطح نهادی و سازمانی در زمینه دیپلماسی اقتصادی و تجاری است. از آنجا که هدف کلان دیپلماسی اقتصادی کمک به افزایش قدرت ملی و توسعه اقتصاد ملی است، تعیین اولویت در خرده اهداف و بر این اساس تعیین نهادها و سازمان های متولی از اهمیت زیادی برخوردار است. در سال های اخیر، در سطح نهادی با تکثر و تعدد سازمان ها و نهادهای درگیر مواجه هستیم؛ به طوری که انحصار وزارت امور خارجه در زمینه پیگیری امور فرامرزی به طور جدی به چالش کشیده شده است. علاوه بر این در سطح دولتی وزارتخانه ها و سازمان های متعددی خود را شریک وزارت امور خارجه در پیگیری مسائل بین المللی می دانند. این در حالی است که تحولات نوین نیز باعث جدی شدن نقش نهادهای غیر دولتی در زمینه دیپلماسی کشورها شده است. بازیگرانی همچون کنشگران اقتصادی خصوصی، گروه های حقوق بشری و گروه های حامی محیط زیست، سازمان های غیردولتی و... در دیپلماسی کشورها تأثیرگذارند.

۲-۱-۲. سطوح خارجی

در عرصه خارجی، تلاش برای ارتقای منافع اقتصادی کشورها در چارچوب دیپلماسی اقتصادی را می‌توان در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه مورد توجه قرار داد. دیپلماسی اقتصادی دو جانبه بخش اعظم مناسبات بین‌المللی کشورها را در بر می‌گیرد. در این میان، اهمیت سطح منطقه‌ای دیپلماسی اقتصادی به شکل فزاینده‌ای در حال رشد است. چون قراردادهای اقتصادی منطقه‌ای مسیر سریع‌تری برای بازارهای آزاد است و معمولاً "آزادسازی اقتصادی در راستای منافع ملی در میان گروهی از کشورها در منطقه‌ای خاص، آسان‌تر مورد پذیرش قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، پیگیری دیپلماسی اقتصادی چندجانبه معمولاً در چارچوب سازمان‌هایی مثل سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی رخ می‌دهد.

۱۰۵



دیپلماسی اقتصادی
ترکیه در آفریقا؛
اهداف، راهبردها و
نتایج

۲-۲. مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی

در واقع می‌توان دیپلماسی اقتصادی را بر مبنای کارکرد گرایشی اینگونه مورد تعریف قرار داد که دیپلماسی اقتصادی، مجموعه‌ای از اقدامات (هم در مورد روشها و هم در مورد فرآیندهای تصمیم‌گیری بین‌المللی) است که با فعالیتهای اقتصادی برون‌مرزی نقش آفرینان دولتی و غیردولتی در جهان واقع ارتباط دارد. این فعالیتهای اقتصادی شامل سرمایه‌گذاری، صادرات، واردات، قرض‌دادن، کمک و اعانه، مهاجرت و... می‌شوند. به طور معمول، دیپلماسی اقتصادی در سطح دولتها دارای سه عنصر زیراست:

- استفاده از تأثیرگذاری و روابط سیاسی به منظور ارتقا و اثربخشی سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌المللی دوجانبه: بهبود عملکرد بازارها، تبیین شکستهای بازار و کاهش هزینه‌ها و ریسکهای معاملات برون‌مرزی (شامل حقوق مالکیت). به طور رایج، این زیرشاخه از دیپلماسی اقتصادی متشکل از سیاست‌گذاری‌های تجاری و بازرگانی است. (مانند ارتقای صادرات، دیدار و ملاقات رهبران و سران کشورها با یکدیگر و...). در اینجا ما اغلب از اصطلاح دیپلماسی اقتصادی دوجانبه استفاده خواهیم کرد تا بر این زیرشاخه تأکید کنیم و به آن دلالت داشته باشیم.

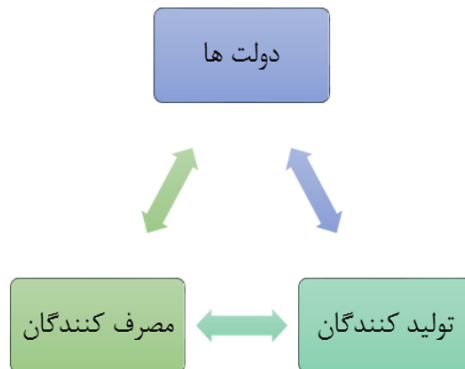
• استفاده از دارایی‌ها و روابط اقتصادی برای افزایش هزینه جنگ، نزاع و درگیری بین کشورها و همچنین تقویت منافع متقابل حاصل از همکاری‌ها و داشتن روابط با ثبات سیاسی با یکدیگر: این کار منجر به افزایش امنیت اقتصادی می‌شود. این زیرشاخه هم شامل سیاست‌گذاریهای ساختاری و هم شامل تجارت و تفاهم نامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه می‌شود. در این زیرشاخه، اختلالات سیاسی در تجارت و سرمایه‌گذاری نیز در زمان تحریم‌ها و بایکوت اقتصادی کشور مقصد رخ می‌دهد.

• روشهای تقویت شرایط و جو سیاسی درست و محیط اقتصادی- سیاسی در عرصه بین‌الملل به منظور تسهیل و تحقق این اهداف: این زیرشاخه مهم را به عنوان دیپلماسی تجاری می‌شناسیم و مذاکرات چندجانبه را پوشش می‌دهد. دیپلماسی تجاری، در واقع قلمرو و محدوده نهادها و سازمانهای چندملیتی مانند سازمان تجارت جهانی (WTO)، و اتحادیه اروپا و سازمان همکاری‌ها و توسعه اقتصادی است. به طور کلی، منافع بالقوه مذاکرات تجاری چندجانبه به خوبی قابل فهم است.

در کنار نقش دولتها در باب دیپلماسی اقتصادی، بازیگران غیر دولتی نیز وجود دارند که می‌توان از آنها به عنوان پایه‌های پنهان دیپلماسی اقتصادی نام برد. این دو مؤلفه شامل تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان هستند.

شرکتهای چندملیتی، نقش آفرینان اصلی در فاز و مرحله کنونی از جهانی سازی هستند. در واقع به روشنی می‌توان گفت که شرکتهای بزرگ سهامی، نهادهای تصمیم‌گیرنده مهمی هستند و فعالیتها و منافعشان ممکن است یک عنصر اصلی و مهم را در بازیهای جهانی تشکیل دهد. چنین نقش آفرینان غیر دولتی می‌توانند طرحها و برنامه‌های دولتهای ملی و مستقل را خنثی کنند یا کاهش دهند. از سویی، چون دولتهای ملی و مستقل این اختیار را دارند تا فعالیتها را در بین قلمروهای مختلف خودشان انتقال دهند، کنترل اندکی بر روی چیرستی و چگونگی فعالیت نقش آفرینان غیردولتی خواهند داشت. جالب این است که این بنگاه‌ها، همچنین نسبت به فشارهای وارده از سوی گروههای مصرف‌کننده بزرگ آسیب‌پذیرتر هم هستند و بنابراین، این گروههای مصرف‌کننده می‌

توانند محصولات آنها را تحریم کنند. همچنین لازم به ذکر است که این بنگاه‌های چند ملیتی که در مقابل فشار مصرف‌کننده تعظیم کرده و آسیب‌پذیر هستند و به این دلیل رفتارشان را تغییر می‌دهند، ممکن است به عنوان ابزاری در دست مصرف‌کننده قرار گیرند که از طریق آنها اعمال نفوذ و تأثیرگذاری فراوانی بر فعالیت‌های دولت، ایالت یا کشور خاص داشته باشند. از سوی دیگر قدرت تحریم‌های مصرف‌کننده به خوبی ثبت و ضبط شده است. ابزارهای عملی کردن چنین تحریم‌هایی متشکل است از امتناع از خرید کالاها یا خدمات (گردشگری، رسانه) و اقدامات مربوط به فروش سهام سرمایه‌گذاری در شرکت‌های آنها. در برخی از موارد، گروه‌های شهری اعمال قدرت و فشار زیادی (برای مثال به عنوان سهامداران) ب روی شرکت‌های سهامی بزرگ داشته‌اند تا در واقع این تحریم‌ها را اجرایی کنند. ما اگر بخواهیم به طور دقیق‌تری به مؤلفه‌های اصلی و روابط آنها در دیپلماسی اقتصادی بنگریم، می‌توانیم به شکل ۱-۱ توجه کنیم.



۱-۱ روابط مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی

۲-۳. انواع دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی برگرفته از دو مفهوم سیاست و اقتصاد است، دیپلماسی اقتصادی با توجه به کارکردها و تعاملات ایجاد شده از سوی آنها به مباحث مختلفی تقسیم‌بندی می‌شود. اما در ذیل دو موضوع کلی دیپلماسی اقتصادی دولتی و غیردولتی قابل مشاهده است. در این میان دو دیدگاه دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی بازرگانی نیز می‌

تواند مورد توجه واقع شود. هرچند به ظاهر دیپلماسی اقتصادی و بازرگانی با هم در مبانی اصلی دارای اشتراک مبانی هستند، اما در نهایت دیدگاه این دو دیپلماسی باهم متفاوت است. دیپلماسی اقتصادی یک دیدگاه کلان محور در راستای سیاست های اقتصادی دولت ها را شامل می شود، اما دیپلماسی بازرگانی با استفاده از راهبردهای اقتصادی در تلاش است تا این سیاست ها را در عرصه عمل پیاده سازد. در واقع نگاه ما به مفهوم دیپلماسی بازرگانی نگاهی در طول دیپلماسی اقتصادی است. در همین راستا دیپلماسی اقتصادی بنا بر نگاهی که به مسائل اقتصادی مطرح می شود و نقش هایی که این نگاه بر عهده می گیرند خود به دو بخش دولتی و غیردولتی تقسیم بندی می شود. این موضوع در کنار عملکرد آنها قابل بررسی در یک مقاله جداگانه است، ما در این جا تنها با نگاه به انواع دیپلماسی اقتصادی این موارد را در جدول ذیل گرد می آوریم.

نقش ها	کارکردها	بازیگران
نقش دولتی	دیپلماسی اقتصادی	دیپلمات‌های اقتصادی
	دیپلماسی بازرگانی	دیپلمات‌های بازرگانی
نقش غیر دولتی	دیپلماسی شرکتی	دیپلمات‌های شرکتی
	دیپلماسی تجاری (کسب و کار)	دیپلمات‌های شرکتی
	دیپلماسی سازمانهای غیردولتی ملی	دیپلمات‌های سازمانهای غیردولتی ملی
	دیپلماسی سازمانهای غیردولتی فراملی	دیپلمات‌های سازمانهای غیردولتی فراملی

۳. اصول سیاست خارجی ترکیه

مهمترین پایه اصلی سیاست خارجه ترکیه را می توان در سکولاریسم و غرب محوری خلاصه کرد. بعد از الغای خلافت عثمانی برای تثبیت جمهوری غیردینی، آتاتورک آموزش اسلامی، ادبیات عربی و طریقت های صوفی را حذف کرد و به جای آنها از ارزش های انقلاب فرانسه برای آینده جمهوری الهام گرفت. به این دلیل، هدف اصلی وی تثبیت راهبرد و روش سکولاریسم، حذف تدریجی اسلام و تطبیق آن با دولت

مدرن بود. بر اساس میراث کمالیسم بود که مذهب در ترکیه برای مدت طولانی به‌عنوان نماد حکومت‌های سنتی در نظر گرفته شد. در همان حال، تفکر ضددینی خط تمایزی بین روشنگری و تحجر و بین توسعه و محافظه‌کاری شد. مکتب لائسیسم، دین را خارج از محدوده جامعه و یک امر شخصی می‌دانست و آنها اسلام را عین عقب ماندگی‌های اقتصادی، سیاسی و دینی دانستند. کمالیست‌ها با الهام از دیدگاه‌های آتاتورک، ترکیه را یک کشور غربی دانستند که باید منافع خود را از راه هم‌زیستی با دنیای غرب پیگیری می‌رند (Platt, 2017: 46). راهنمای سیاست خارجی ترکیه، بسیار متأثر از اصولی است که در تأسیس جمهوری نوین ترکیه با عنوان کمالیسم بر ساخته شد. کمالیسم مبتنی بر این اصول شش‌گانه است که در قانون اساسی ۱۹۳۷ بر آنها تصریح شده است: ملی‌گرایی، سکولاریسم، جمهوری‌خواهی، مردم‌گرایی، دولت‌گرایی و اصلاح طلبی (Demir, 2016:15).

بنابراین در تفکر کمالیستی، منطقه خاورمیانه و آفریقا اولویت نخست برای سیاست خارجی ترکیه نبود. اصول کمالیسم در بسیاری از موارد تأثیر مستقیمی بر سیاست خارجی این کشور داشته است. تأثیر گذاری اینها بر سیاست خارجی بدین ترتیب بوده که تحت تأثیر این اصول، رهبران جمهوری جدید، جامعه‌ای با دو ویژگی مهم بنا کردند: ویژگی اول، ترکیه را از کشورهای منطقه و مسائل آن دور می‌کرد و ویژگی دوم، سیاست خارجی آن را هر چه بیشتر به سمت غرب هدایت می‌کرد. با توجه به این دیدگاه سیاست خارجی ترکیه در این دوران بر اصول ذیل استوار بود:

- بهره‌برداری از قدرت اقتصادی و صنعتی غرب،
- تلاش برای شناخته شدن به‌عنوان یک ملت اروپایی و پذیرفته شدن در تمدن غرب،
- مداخله نکردن در امور کشورهای خاورمیانه، اسلامی و آفریقا،
- پرهیز از مداخله در مناقشه‌های میان کشورهای منطقه،
- توسعه روابط دوجانبه با همه کشورهای منطقه،
- توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای منطقه.

با توجه به این اصول، پیوستن به اروپا به‌عنوان یک هدف راهبردی، سبب شده بود که این کشور همه تلاش‌های خود را برای رسیدن به آن به‌کار گیرد. بنابراین در سایه این اهداف، منطقه خاورمیانه و آفریقا به‌عنوان منشاء بحران‌های بزرگ بین‌المللی، چندان جایگاهی در عرصه سیاست خارجی این کشور نداشت. سیاست خارجی سستی و کمالیستی، صلح در خارج و داخل، همکاری با غرب و توجه نداشتن به شرق، غرب آسیا و آفریقا را شامل می‌شد. این دیدگاه باعث شد تا ترکیه به‌عنوان کشوری پیرو در سیاست اروپایی شناخته شود. این، موضوعی بود که از سوی برخی از کارشناسان باعث شد تا حزب عدالت و توسعه به قدرت برسد و سیاست خارجی این کشور با تحول جدی همراه شود.

۴. جایگاه آفریقا در سیاست خارجی ترکیه

آفریقا از دوران عثمانی جز در یک برهه تاریخی نقشی تأثیرگذار برای اهداف جاه طلبانه‌ی امپراطوری عثمانی داشته است؛ این نقش بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی و در پیش گرفتن سیاست‌های کمالیسم در میان دولتمردان این کشور بسیار کمرنگ شده بود. اما از سال ۲۰۰۱ تا به امروز با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، آفریقا جایگاه مهمی در سیاست‌های اقتصادی آنکارا پیدا کرده است. با نگاه به دوران بعد از جنگ جهانی اول تا به امروز روابط میان ترکیه و آفریقا را می‌توان به دو بخش تاریخی، از زمان تأسیس ترکیه تا ۲۰۰۳ و از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱ تقسیم بندی کرد. ما در این دوران شاهد رویکردهای متفاوتی نسبت به آفریقا از سوی دولت‌های ترکیه هستیم. از این دیدگاه، شناخت این دوره‌ها می‌تواند برای درک روابط میان آنکارا و آفریقا مناسب باشد (بخشی، ۱۳۸۸: ۳۳).

۴-۱. جایگاه آفریقا در سیاست خارجی ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و

توسعه

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه گرایش معتدلی به وجود آمد که تأثیرات آن در سه قلمرو امور مالی، اصلاحات داخلی و سیاست خارجی نمایان شد. در عرصه

سیاست خارجی به رغم تغییراتی در سیاست خارجی ترکیه به اقتضای تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، اصول سیاست خارجی این کشور متأثر از اصول کمالیسم (اصول آتاتورک، غرب‌گرایی و ملی‌گرایی) است، علی‌رغم اختلافات در ابعاد مختلف، در حوزه سیاست خارجی، اسلام‌گرایان و کمالیست‌ها همزیستی مناسب داشته‌اند و در بعضی حوزه‌های سیاست خارجی میان اسلام‌گرایان و کمالیست‌ها اختلافاتی به وجود آمد، ولی این اختلاف‌ها به حدی نبود که سیاست خارجی ترکیه را دچار بن‌بست کند. (زیرا حزب عدالت و توسعه با اتخاذ سیاست پراگماتیستی در این حوزه از ایجاد چالش با کمالیست‌ها خودداری می‌کرد. به طوری که تاکنون بیشتر دولتهای ترکیه، سیاست گرایش به غرب را دنبال کرده‌اند و بر همین اساس، همواره بر عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا اصرار داشته‌اند و حزب عدالت و توسعه نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. اما راه حل دستیابی به آن را تنوع بخشیدن به سیاست خارجی می‌داند. در واقع دولت اردوغان اصول سیاست خارجی خود را با تکیه بر دو مفهوم پیشینه‌ی تاریخی عثمانی و چند جانبه‌نگری اقتدار را قرار داده است. این موضوع باعث شد تا از سال ۲۰۰۳ ترکیه نگاه ویژه‌ای به آفریقا داشته باشد (Shillington, 2013: 218-220).

با توجه به اینکه از لحاظ تاریخی حاکمیت عثمانی کشورهای مصر، لیبی، الجزایر و تونس را دربرمی‌گرفت، ترکیه به طور سنتی روابط خوبی با قاره آفریقا داشته است. این موضوع باعث شد تا تلاشها در آغاز دولت اردوغان در راستای افزایش همکاری‌های میان آنکارا و آفریقا با رشد چند برابری رو به رو شود. از لحاظ سیاسی تا قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه دارای ۱۲ سفارت‌خانه و ۲۳ کنسول افتخاری در این قاره بود، اما در چارچوب «سیاست گشایش به سوی آفریقا» (داود اوغلو، ۱۳۹۵: ۲۰۸) در حال حاضر این کشور ۴۱ سفارت‌خانه در آفریقا دارد و سعی می‌کند سفارت‌های خود را در تمام کشورهای آفریقا گسترش دهد.

کارشناسان این قاره توجه دارند که به موازات فرآیند توسعه عمومی ترکیه، این کشور به گشایش آفریقا هم اهمیت می‌دهد، از کشور ترکیه به عنوان یک "شریک نو" و "بازیگر جهانی" نام می‌برند. (Wheeler, 2012) با این حال، در ادبیات سیاسی انتقاداتی مبنی بر اینکه آکادمیسین‌ها و دانشگاه‌های ترک در حال حاضر ارزش و

اهمیت علمی آفریقا را درک نکرده اند و همینطور جبهه آفریقا هم ترکیه را نمی شناسد، به چشم می خورد. (Uchehara, 2008: 45)

در حال حاضر مشکلات زیادی در آفریقا راه حل ندارد: درگیری های داخلی، کودتا ها، تروریسم، عناصر بی ثباتی همانند خشونت های افراطی، موانع فرایند دموکراتیزاسیون، کمبود منابع و کاربرد ضعیف آنها، کوتاهی در خدمات بهداشت، درمان و آموزش، بیماری های واگیر و مهاجرت. (Habiyaremye ve Oğuzlu, 2014: 68) با این حال گفته می شود که بخش های مهم و دارای امکانات وسیع بالقوه برای سرمایه گذاری عبارتند از معادن و فلزات، نفت و گاز طبیعی، بهره برداری از منابع طبیعی، توریسم، محصولات مصرفی، زیر بنا و ارتباطات. (Otty ve Sita, 2011: 19)

ترکیه به منظور توسعه هر چه بیشتر روابط با قاره آفریقا، سال ۲۰۰۵ را "سال آفریقا" اعلام کرد و در ۱۲ آوریل ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر در اتحادیه آفریقا پذیرفته شد. سفارت ترکیه در آدیس آبابا به عنوان نماینده اکر دیته ترکیه در اتحادیه آفریقا تعیین شد. در اجلاس سران اتحادیه آفریقا که در ژانویه ۲۰۰۸ در آدیس آبابا برگزار شد، ترکیه به عنوان «شریک راهبردی» معرفی شد. ترکیه به عنوان یکی از اعضای اصلی غیر آفریقایی بانک آفریقا شناخته می شود. در راستای تلاش های دیپلماتیک ترکیه، این کشور تاکنون سه بار اجلاس عالی ترکیه-آفریقا را برگزار کرده و پذیرای شمار زیادی از نمایندگان کشورهای آفریقایی شده است.

اگر نگاه دقیقی نسبت به سیاست ترکیه به آفریقا داشته باشیم، خواهیم دید که شرکت های ترک برای ۷۸ هزار نفر در سراسر قاره آفریقا فرصت اشتغال ایجاد کردند. حجم پروژه های قراردادی شرکت های ترک بیش از ۵۵ میلیارد دلار است. ترافیک پروازی خطوط هوایی ترکیه به ۶۲ نقطه در ۴۲ کشور این قاره رسید. اکنون ترکیه آفریقا را به عنوان یکی از مهمترین پایگاه برای افزایش نفوذ خود در جهان به حساب می آورد که این موضوع می تواند در آینده به عنوان یکی از اصلی ترین مزیت ترکیه برای افزایش نفوذ خود در جمع اقتصادهای نوظهور به حساب آید.

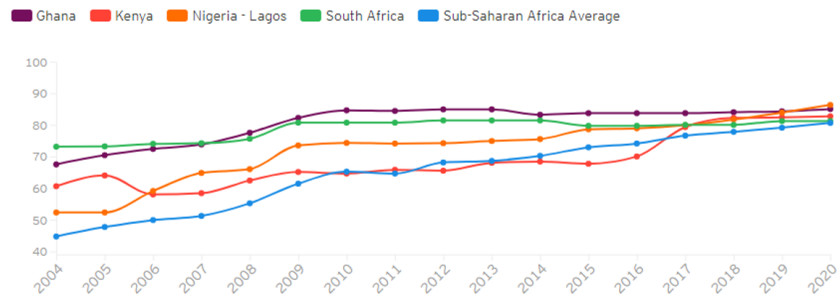
۲-۴. علل و اهمیت جایگاه آفریقا در سیاست خارجی ترکیه

با توجه به قراردادهای و اقدامات ترکیه در آفریقا ما سه نوع هدف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در راستای توسعه روابط با آفریقا را می‌توانیم مورد توجه قرار دهیم. هرچند با توجه به گفتار سیاستمداران ترک، راهبرد ترکیه برای آفریقا توسعه‌ی این قاره است. اما با نگاه دقیقتر به پروژه‌های مورد اشاره از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ ما شاهد این موضوع هستیم که آفریقا در مسیر توسعه بر مبنای فرهنگ ترکی قرار گرفته است. در واقع ترکیه سعی دارد با استفاده از فرهنگ ترک، به جایگاه آفریقا در سیاست خارجی خود بها دهد. مهمترین دلایل ترکیه برای وزن دادن به آفریقا در عرصه سیاست گذاری‌های خود را می‌توان در اهداف اقتصادی، سیاسی و مدیریت جهانی و بین‌المللی تقسیم بندی کرد. در این میان این علل را می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۴-۲-۱. اقتصادی

آفریقا از ابتدای دهه ۱۹۹۰ برنامه‌های اقتصادی متفاوتی در راستای توسعه شاخص‌های اقتصادی خود پرداخته است. در این راستا روند رو به رشد افزایش سرمایه گذاری‌های مستقیم خارجی در بیش از دو دهه گذشته در آفریقا باعث پیشرفت اقتصادی این قاره شده است. هرچند هنوز اقتصاد آفریقا متشکل از تجارت، صنعت، کشاورزی و منابع انسانی است اما تا سال ۲۰۱۹، تقریباً ۱.۳ میلیارد نفر (assets.prb.org) در ۵۴ کشور آفریقا زندگی می‌کردند. آفریقا یک قاره غنی از منابع است. رشد اخیر به دلیل رشد فروش در کالاها، خدمات و تولید بوده است (Britannica, 2020). غرب آفریقا، شرق آفریقا، آفریقای مرکزی و آفریقای جنوبیبه طور خاص، انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ به تولید ناخالص داخلی ۲۹ تریلیون دلاری برسد (African Development Bank Group, 2017). بیش از یک سوم کشورهای آفریقایی رشد اقتصادی بالای ۶ درصد، و ۴۰ درصد دیگر رشد اقتصادی بین ۴ الی ۶ درصدی را تجربه کرده‌اند. با توجه به مسائل مطرح شده قاره آفریقا موتور محرک اقتصادی تا ۲۰۵۰ خواهد بود (African Development Bank Group, 2017). با توجه به این موضوع ترکیه نیز سعی دارد بخشی از اقتصاد آینده این قاره به حساب آید. با توجه به شرایط قاره آفریقا موارد ذیل

می تواند به عنوان مهمترین دلایل ترکیه برای سرمایه گذاری در آفریقا مورد توجه واقع شود.



روند بهبود فضای کسب و کار در آفریقا (بانک جهانی)

• **آفریقا و ذخیره استراتژیک:** ترکیه آفریقا را به عنوان یک ذخیره استراتژیک تا سال ۲۰۳۰ میلادی بر می شمارد و با چند دیدگاه به کشورهای این قاره می نگرد. تقسیم بندی دیدگاهی که ترکیه بر مبنای کشورهای آفریقایی مورد همکاری با خود مدنظر دارد را می توان بر سه دیدگاه ژئوپلیتیک، فرهنگی و اقتصادی-امنیتی تقسیم بندی کرد. این موضوع در واقع به معنای شکل گیری یک بازار بکر برای کالاها و خدمات ترکیه به حساب می آید. ترکیه به طور کل در سال ۲۰۱۷ میلادی بیش از ۷ درصد کل صادرات خود را به آفریقا انجام داده است که در این میان سهم ماشین آلات و خدمات تکنولوژیکی از بقیه محصولات دیگر به آفریقا بیشتر بوده است (The Japan Times, 2020).

• **توسعه انسانی:** از طرف دیگر سازمانهای خیریه و مردم نهاد ترکیه در آفریقا از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۲۱ می توان گفت، اکثر کشورهای آفریقایی را تحت پوشش خود قرار داده اند. سازمانهایی مانند تیکا و هلال احمر به طور ویژه در آفریقا دست به توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری زده اند. آنچه در این میان به چشم می خورد آن است که سازمانهای مذکور در راستای افزایش کیفیت زندگی در کشورهای آفریقایی فقیر هستند. احداث چاه های عمیق آب آشامیدنی، بهبود شرایط کشاورزی و توسعه های آموزشی و زیست محیطی بخشی از اهدافی است که ترکیه

سعی دارد در راستای افزایش سطح زندگی مردم آفریقا کار کند. در کنار اهداف انسان دوستانه ترکیه در آفریقا می‌توان به قدرت کشورهای آفریقایی در سازمانهای بین‌المللی، ظرفیت این کشورها برای تأمین انرژی ارزان قیمت ترکیه، افزایش درآمد حاصل از توریست‌های آفریقا، جبران خسارت‌های ناشی از ناکامی‌های منطقه‌ای و اثرگذاری ترکیه در معادلات بین‌المللی را به عنوان اهداف اصلی آنکارا برای افزایش سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و تسهیل روابط اقتصادی و سیاسی با آفریقا یاد کرد.

- تنوع‌بخشی به بازارهای انرژی و تبدیل شدن به هاب انرژی میان اروپا، آسیا و آفریقا: آفریقا هم‌اکنون در کانون توجه کشورها قرار دارد، وجود منابع غنی و استخراج نشده در این قاره باعث رقابت دیگر کشورها در این قاره شده است. یکی از دلایل تلاش ترکیه برای افزایش روابطش با آفریقا در زمینه‌های تجاری، سیاسی و فرهنگی، با آرزوی آن کشور جهت تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای می‌باشد. به طور کلی یک قدرت منطقه‌ای سیاست منطقه‌ای را معین می‌کند، در این زمینه صاحب تاثیر و نفوذ است و در جغرافیای اطراف خود اقدامات مؤثری را انجام می‌دهد. (Beck, ۲۰۰۶: ۱۲) ترکیه‌ای که خود را به عنوان "قدرت منطقه‌ای" معرفی می‌کند، نمی‌تواند آفریقا را نادیده بگیرد. اما ترکیه حد اقل فعلاً در قد و قواره‌ای نیست که بتواند با قدرت‌های بزرگ در آفریقا رقابت کند. (Aydin, ۲۰۱۴: ۱۲)

- ترکیه که در جستجوی منابع گسترده به تاسی از قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور مانند چین و هند به دنبال افزایش سرمایه‌گذاری و سقف مبادلات تجاری خود با آفریقا است. این کشور نیز اخیراً "به این رقابت پیوسته است. وابستگی ترکیه به انرژی هم‌اکنون در حدود ۷۰ درصد است که این رقم تا سال ۲۰۳۰ به بیش از ۸۰ درصد می‌رسد و در حال حاضر عمده نیازهای انرژی ترکیه از جنوب غرب آسیا تأمین می‌شود و این باعث وابستگی نفتی ترکیه به این منطقه شده است. در نتیجه ترکیه در جستجو برای تنوع بخشی به منابع انرژی خود و تبدیل شدن به یک هاب انرژی تأثیر گذار در جهان تا سال ۲۰۳۰ می‌باشد. در حال حاضر ترکیه در حدود ۲۸ درصد از گاز (LPG و LNG) خود را از نیجریه و الجزایر تأمین می‌کند. شرکت‌های گوناگون ترک در سالهای اخیر سرمایه‌گذاری‌های زیادی در این قاره داشته‌اند که

بخشی از آن در بررسی روابط دو جانبه و روابط اقتصادی آورده شده است. سرمایه‌گذاری عظیم این کشور در بخش زیرساخت‌های خطوط لوله و ذخیره‌سازی LNG نشان می‌دهد که ترکیه در هدف خود برای تبدیل شدن به یک هاب منطقه‌ای بسیار جدی است. ترکیه با سرمایه‌گذاری در بخش LNG آفریقا می‌تواند وابستگی خود به روسیه برای گاز طبیعی را کاهش دهد و این مستلزم گسترش روابط محکم بین ترکیه و آفریقا است (Faria, 2021).

• آفریقا بازاری برای فروش کالاهای ترکیه: ضعف‌های اقتصادی در بازارهای غربی و راهبرد صادرات محور ترکیه نیاز صادر کنندگان به بازارهای جایگزین را به وجود آورد. سرمایه‌داران کوچک و شرکت‌های متوسط آناتولی، کف سیاسی و اقتصادی حزب عدالت و توسعه را به وجود می‌آورد. حزب، با اجبار هستی‌شناختی و برای ادامه حیات خود مجبور بود این شرکت‌ها را به بازارهای جدید پیوند دهد. آفریقا برای این آرمان مناسب بود. (Bacik, 2013: 483) میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آفریقا ۱۱ درصد بیش از پیش‌بینی‌های سازمان‌های اقتصادی است، این در حالی است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از شمال به سمت شرق و جنوب آفریقا در حرکت است (UNCTAD, 2019). این به معنای افزایش تولید ناخالص داخلی کشورهای آفریقایی و در نتیجه افزایش قدرت خرید در این کشورها است. با توجه به این مسائل آفریقا یک بازار بکر و پرسود برای کالاهای ترکیه به حساب می‌آید، با توجه به نفوذ فزاینده چین، روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا در آفریقا برای تسخیر بازارهای این قاره، ترکیه با توجه به جایگاه تاریخی خود در این منطقه سعی می‌کند تا بازار کشورهای قاره آفریقا را که بیشتر کشورهای آن مسلمان می‌باشند، تسخیر کند. ما در ادامه به آمارهای این موضوع بیشتر اشاره خواهیم کرد.

۴-۲-۲. سیاسی

• آفریقا بستری مناسب برای جبران شکست‌های ترکیه در منطقه: اگرچه دولت‌مردان ترکیه در ابتدای توجهش به آفریقا، این قاره را به مثابه یک مسیر در جهت رونق اقتصادی قلمداد می‌کرد و تلاششان را بر این اساس استوار ساخته بودند که ترکیه را به حلقه وصل میان کشورهای جنوب و شمال تبدیل کند، اما در این روزها از

جمله علل و عواملی که موجب شدت بخشیدن اهمیت این قاره و تلاش‌های بیشتر برای گسترش روابط ترکیه با کشورهای آفریقایی شده است در ذیل ابعاد متنوع موجود از سیاست خارجی و روابط این کشور با محیط امنیتی پیرامونی اش قابلیت تحلیل را پیدا می‌کند. احیای هژمونی ترکیه با تفکر نو عثمانی‌گری در جهان اسلام از یک سو و تلاش برای رقابت و حتی سبقت از دیگر کشورهای منطقه‌ای در شمال آفریقا از سوی دیگر می‌تواند در چرخش انتقالی اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه به سوی آفریقا اهمیت پیدا کند. طوری که می‌توان ادعا کرد که تلاش برای نفوذ و گسترش حداکثری در آفریقا و توجه ویژه به این قاره و برجسته شدن جایگاه آن در سیاست خارجی ترکیه با تضعیف شدن موقعیت این کشور در منطقه به دنبال بحران‌های موجود در مرزهای همجوارش (سوریه و عراق) همزمان شده است. از سوی دیگر نیز عرصه داخلی ترکیه نیز با توجه به شرایط به وجود آمده از بی‌ثباتی و عدم امنیت در جدیت نگاه به آفریقا توسط ترکیه بی‌تاثیر نبوده است.

• **تنوع‌بخشی به سیاست خارجی و بالا بردن قدرت مقاومت در برابر فشارهای**

غرب و آمریکا: چالش‌های پیشروی پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا و فشارهایی که دولت آمریکا بعد از کودتای نافرجام ترکیه به این کشور وارد کرده است، اصلی‌ترین دلیلی است که باعث شده تا ترکیه، روابط با آفریقا را راه حلی برای رویارویی با چالش‌های اینچنینی بیابد. از این منظر کشورهای آفریقایی به عنوان یکی از حامیان اصلی حفظ ارزش لیر در برابر دلار در عرصه بین‌المللی ظاهر شدند و توانستند تا حدی از فشارهای آمریکا بر اقتصاد ترکیه بکاهند. عدم رضایت ترکیه از فرآیند عضویت اتحادیه اروپا با اینکه در افکار عمومی ترکیه تبدیل به نوعی مقابله با اروپا نشد، ولی ترکیه را به سوی متنوع کردن روابط اقتصادی خود در آفریقا، آمریکای لاتین، آسیا و خاورمیانه سوق داد (Özkan, 2012: 128).

۴-۲-۳. مدیریت جهانی

در اهداف اصلی ترکیه، حضور در عرصه مدیریتی جهانی است. این دیدگاه با توجه به نگاه نوعثمانی‌گری حزب حاکم ترکیه دارای اهمیت است. هرچند **کشورهای آفریقایی**

در مجامع بین‌المللی به عنوان قدرت‌های قابل توجهی مطرح نیستند، اما از یکسو دارای شخصیت حقوقی هستند و از سوی دیگر دارای وزن راهبردی و سیاسی در مسائل ژئوپولیتیکی در عرصه‌های اقتصادی و مسیرهای انرژی نقش مهمی را به خود اختصاص داده‌اند. در مدیریت جهانی شخصیت حقوقی این کشورها برای ترکیه بسیار حائز اهمیت است. چرا که در نهادها و مجامع بین‌المللی فارغ از ارزش و جایگاه هر کشور، رای آن کشور مهم است و از این حیث تفاوتی میان قدرت‌های بزرگ و کوچک کشورها وجود ندارد. با توجه به تعداد زیاد کشورهای این قاره و عضویت آن‌ها در سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی، ترکیه نیز مانند دیگر کشورها یکی از اهداف خود را در برقراری روابط با این قاره استفاده از این فرصت می‌داند.

۵. دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آفریقا

سیاست خارجی توسعه‌گرایانه ترکیه در آفریقا یک دیپلماسی چند وجهی، فعال و کنش‌مند است که از جنبه‌های مختلفی قابلیت بررسی دارد. در نتیجه این اقدامات، ترکیه در سال ۲۰۰۵ عضو ناظر اتحادیه آفریقا و در سال ۲۰۰۸ میلادی نیز شریک استراتژیک این اتحادیه و همچنین عضو بانک توسعه آفریقا شد. اردوغان در سخنرانی دوم مارچ ۲۰۰۵ برای تعریف از آفریقا از کلمات "شرف" و "قدرت" استفاده کرد. اردوغان از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۲۱ در سمت‌های نخست‌وزیری و ریاست جمهوری ترکیه بیش از ۳۹ سفر به کشورهای آفریقایی داشته است، در این میان آنچه حائز اهمیت است نگاهی است که ترکیه به مسائل مربوط به آفریقا دارد. مهمترین جنبه‌های اصلی دیپلماسی ترکیه در آفریقا بر وجه اقتصادی آن است، اما در این میان دیپلماسی فرهنگی، علمی و نظامی به عنوان دیپلماسی‌های مکمل در کنار دیپلماسی اقتصادی این کشور در آفریقا مطرح می‌شود که بررسی دیپلماسی‌های مکمل می‌تواند در مقاله‌ای جداگانه مورد مذاقه قرار گیرد.

ما در جدول ذیل سازمانهایی که در دیپلماسی‌های مکمل در آفریقا تأثیر گذارند، مورد اشاره قرار می‌دهیم:

سازمان	اهداف	پروژه های شاخص در آفریقا
اداره کل امور فرهنگی ترکیه	انعقاد قراردادهای فرهنگی، هماهنگی و پیگیری قرارداد های فرهنگی وزارت خارجه ترکیه	
سازمان آموزش عالی ترکیه	تأسیس کرسی های زبان ترکی، جذب و مبادله دانشجوی، مبادله استاد میان دانشگاه های ترکیه و دیگر دانشگاه ها	-جذب دانشجوی از مصر، نیجریه، نیجر و دیگر کشورها
سازمان هلال احمر ترکیه	ارائه خدمات بهداشتی، ارائه خدمات مدیریت بحران	- ایجاد کمپ دائمی در سومالی -ارائه خدمات بهداشتی به کشورهای آفریقا
سازمان مدیریت بحران ترکیه (AFAD)	کاهش تلفات انسانی ناشی از بحران های طبیعی و انسانی در سراسر جهان، آموزش دانشجویان	- ایجاد پایگاه نظامی دائمی در سومالی -ایجاد دسترسی آب سالم -بورسیه بیش از ۳۰۰ دانشجوی -تحت پوشش قرار دادن ۱۷۵۰۰۰ نفر
تیکا	برنامه ریزی، تحقیق و سیاست گذاری در خصوص فعالیت های اقتصادی و فرهنگی ترکیه، حمایت از دولت های متزلزل در آفریقا با استفاده از سیاست های حمایتی و تقویت زیر ساختهای نظامی	-ساخت مدارس شبانه روزی -ایجاد چاه های عمیق برای دسترسی به آب آشامیدنی -ایجاد بیمارستان در نیجر، سودان و سومالی -سیاست های حمایت از زنان در سودان -ایجاد آکادمی نظامی در سومالی
سازمان یونس امره	فعالیت های فرهنگی، آموزش زبان ترکی، همکاری با دیگر سازمانهای ترکیه در راستای دیپلماسی فرهنگی	-ایجاد ۷ پایگاه برای آموزش زبان ترکی در کشورهای آفریقایی

۱-۵. راهبرد ترکیه در دیپلماسی اقتصادی با کشورهای آفریقایی

دولت ترکیه برای حضور در بازارهای آفریقا تدابیر خود را در دو موضع اصلی تقسیم بندی می کند. ابتدا کشورهای آفریقایی که عضو سازمان تجارت جهانی هستند؛ مانند مصر، تونس، مراکش، آفریقای جنوبی و سپس کشورهایی که یا به عضویت تجارت جهانی نیبوستند و یا اینکه در مسیر پیوستن به این سازمان هستند. مهمترین تدابیر دولت ترکیه با کشورهای آفریقایی که عضو WTO هستند، به دو بخش کلی اصول مربوط به سازمان تجارت جهانی و قراردادهای تجاری تقسیم بندی می شود.

مهمترین اصل مورد پذیرش ترکیه با این کشورها، اصل عدم تبعیض و اصل دولت کامله الوداد است. طبق این اصل، اگر کشوری امتیاز بازرگانی یا تعرفه ای را در مورد

یکی از کشورهای عضو اعمال نماید. این امتیاز یا تعرفه می‌بایست در مورد تمام شرکای تجاری عضو سازمان تجارت جهانی تعمیم یابد. البته این اصل یک استثناء نیز دارد که به همگرایی‌های اقتصادی مانند اتحادیه‌های گمرکی بین چند کشور مربوط می‌شود. این استثناء بدین معناست که سازمان تجارت جهانی، سایر پیمان‌های تجاری (مانند اتحادیه اروپا یا نفتا) را نیز به رسمیت می‌شناسد. این موارد در اسناد مورد مذاکره ترکیه با تونس و مصر به وضوح دیده می‌شود.

استفاده از محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای در تجارت همچون سهمیه‌بندی و صدور پروانه واردات ممنوع است و کشورها تنها با استفاده از وضع تعرفه‌های گمرکی مجازند، از صنایع داخلی حمایت نمایند. پس از حذف موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، کشورها می‌بایست تعرفه‌های گمرکی خود را تثبیت نمایند و به تدریج آن را کاهش دهند. البته این اصل نیز در مورد محصولات کشاورزی در کشورهایی که با مشکلات در پرداخت‌ها مواجه هستند، استثناء قایل شده‌است. قراردادهای میان ترکیه، تونس و مصر بر این اصول پا برجا هستند.

قراردادهای تجاری ترکیه با این کشورها را می‌توان به دو بخش قراردادهای تعرفه‌ای، گمرکی و قراردادهای ایجاد منطقه مشترک آزاد تجاری تقسیم بندی کرد. آنچه در این میان باید به آن توجه داشت، این است که اصول اصلی این قراردادها بر پایه اصول قراردادهای GATT و WTO است. در قرارداد ایجاد منطقه آزاد تجاری میان ترکیه و مصر آمده است:

"جمهوری ترکیه و جمهوری عربی مصر در راستای ایجاد یک چارچوب و محیط حمایتی مبتنی بر برابری، عدم تبعیض و تعادل حقوق و تعهدات با اشاره به منافع متقابل طرفین در تقویت مستمر سیستم تجارت چند جانبه و با توجه به مفاد و ابزار توافق کلی در باره تعرفه‌ها و تجارت ۱۹۹۴ و سازمان تجارت جهانی، پایه‌ای برای سیاست تجارت خارجی خود را تشکیل می‌دهند. لذا این دو کشور برای این منظور مقرراتی را با هدف از بین بردن موانع تجارت بین طرفین مطابق با مقررات این توافق نامه، به ویژه در زمینه ایجاد منطقه آزاد تجاری به تصویب می‌رسانند و این توافق نامه را امضا می‌کنند"

نمایند. " (Agreement Establishing A Free Trade Area Between Egypt
And Turkey)

در بندهای این قرارداد آمده است که تعرفه کالاهای صادراتی به هر دو کشور باید به مرور کاهش و در طی ۱۲ سال حذف شود. در این قرارداد محصولات صنعتی نیز مشمول این بند قرار می‌گیرد و در صورت تصویب تعرفه از سوی هر یک از طرفین دولت دیگر نیز می‌تواند دست به اقدام متقابل بزند. این موضوع درباره محصولات کشاورزی و ماهی‌گیری باید هر سال در یک کمیته مشترک میان مصر و ترکیه مورد بازبینی قرار گیرد. هر دو کشور متعهد شده‌اند که در زمینه کشاورزی و ماهی‌گیری تجربیات خود را مورد اشتراک قرار دهند. در این قرارداد آمده است که هر یک از کشورهای ذینفع در صورت مشکلات مالی گسترده می‌تواند تعرفه‌های گمرکی را به مدت محدود اعمال کند. در باره مسائل مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک نیز شرکت‌های ترکی و مصری در زمینه‌هایی که توسط دولت مصر و ترکیه از آن به عنوان اولویت خود یاد می‌کنند می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند و کمیته‌ی مشترکی از دولتین ترکیه و مصر ضمانت سرمایه‌گذاری این شرکتها را بر عهده می‌گیرند. این قرارداد میان ترکیه و تونس نیز بسته شده است.

در کنار این کشورهای آفریقایی، مهمترین تدابیری که ترکیه سعی دارد در تجارت با کشورهایی از این قاره که هنوز عضو سازمان تجارت جهانی نشده‌اند، به کار می‌برد سه بخش اصلی قراردادهای دو جانبه، BOT و PPP در کنار مسائل مربوط به تعرفه‌های گمرکی استوار است.

مهمترین راهکار ترکیه برای گسترش اقدامات خود در بازارهای آفریقا، بستن قراردادهای تجاری دو جانبه است. ترکیه با اعمال نظرات خود در این قراردادها توانسته است بیشترین منافع خود را به دست آورد. در این قراردادها سه موضوع اصلی عرصه سرمایه‌گذاری، راهبرد سرمایه‌گذاری و امنیت سرمایه‌گذاری را تحت پوشش قرار می‌دهد. از آنجا که کشورهای آفریقایی از بی‌ثباتی نسبی رنج می‌برند این قراردادها می‌تواند به عنوان یکی از دستمایه‌های اصلی دولت ترکیه برای گسترش بازارهای خود در آفریقا به شمار آید. از این منظر قراردادهای سومالی و اتیوپی را می‌توان نام برد.

روابط ترکیه و سومالی در عرصه های بهداشت، آموزش، ایجاد معیشت، خدمات شهری و زیرساخت ها از طریق سازمان تیکا صورت پذیرفته است (www.mfa.com). در سال ۲۰۱۸ این قراردادهای دو جانبه میان آنکارا و موگادیشو تبدیل به قرارداد تجارت آزاد شد. اکنون ترکیه که با حجم صادرات ۱۱۶ میلیون دلاری پنجمین کشور وارد کننده به سومالی است با این قرارداد می تواند حجم صادرات خود به سومالی را تا سقف ۲۰۰ میلیون دلار افزایش دهد. ترکیه برای حفظ سرمایه های بخش خصوصی خود در سومالی از سه راهبرد سازمانهای مالی بین المللی، کمیته مشترک مالی دو جانبه و قرارداد مالی میان دو کشور استفاده می کند. از سوی دیگر ترکیه با استفاده از قراردادهای B.O.T و قراردادهای مشارکت عمومی و خصوصی (P.P.P) سود بخش خصوصی خود را نیز تضمین می کند.

باید به این امر اذعان کرد که بیشتر سرمایه گذاری ترکیه در آفریقا، کشورهایی هستند که دارای ثبات سیاسی نسبی هستند و یا اینکه یکی از دو بخش سیاسی و نظامی این کشورها از قدرت بیشتری برخوردار است. این موضوع زمانی مهم به نظر می رسد که قراردادهای اقتصادی ترکیه با این کشورها نیز به همین مسیر در حال حرکت است.

دولت ترکیه برای تشویق و حفظ سرمایه بخش خصوصی این کشور در پروژه های آفریقا ابتدا به سمت ایجاد امکانات اولیه بهداشتی، امنیت حد اقلی و اطمینان در بازگشت اصل و سود سرمایه گذاری می کند. به عنوان مثال سرمایه گذاری شرکت آلبایراک^۱ این کشور در توسعه بندر موگادیشو بعد از ایجاد پایگاه نظامی ترکیه در این کشور و ایجاد چندین بیمارستان توسط هلال احمر ترکیه در این شهر با قرارداد B.O.T به مدت ۲۰ سال محقق شد. در این قرارداد ۸۰ درصد از درآمد بندر و فرودگاه این کشور در طی این ۲۰ سال به شرکت پرداخت خواهد شد.

از سوی دیگر، دولت ترکیه با ایجاد شرکتهای سرمایه گذاری دو و چند جانبه در تلاش است تا از ریسک سرمایه گذاری بخش خصوصی این کشور در کشورهای آفریقایی بکاهد. قراردادهای سرمایه گذاری میان ترکیه و اتیوپی بر این منوال تنظیم شده است. پایه اصلی تمام قراردادهای سرمایه گذاری ترکیه در این کشور بر پایه قرارداد اولیه

1. Albayrak

حفاظت از سرمایه گذاری (ضمانت سرمایه گذاری) میان دولتین ترکیه و اتیوپی است. این قرارداد به عنوان مرجع اصلی سرمایه گذاری در اتیوپی از سوی ترکیه شناخته شده است. مواردی که در این قرارداد ذکر شده، مباحثی مانند حفاظت از سرمایه گذاری، نوع ارز مورد معامله، تعرفه های گمرکی، چرخه معاملات بانکی و مسائل مربوط به حل اختلافات است.

طبق این قرارداد مالیات ها، اتحادیه های گمرکی و قوانین مالیاتی بر سرمایه گذاری های دو طرف تأثیر گذار نیست. در بخش دیگری از این قرارداد آمده است:

"سرمایه گذاری نمی تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم، به اندازه گیری اثرات مشابه به غیر از هدف عمومی، به صورت غیر تبعیض آمیز، بر اساس پرداخت غرامت فوری، کافی و موثر و مطابق با روند قانونی و اصول عمومی درمان که در ماده سوم این موافقتنامه ارائه شده است بلوکه شود. جبران خسارت باید معادل ارزش بازار سرمایه انحصاری باشد و قبل از پرداخت غرامت باید دولت بلوکه کننده سرمایه اقدام به عذرخواهی یا دلایل اقدام وی معلوم شود. جبران خسارت باید بدون تاخیر پرداخت شود و به صورت آزادانه قابل انتقال باشد، همانطور که در بند ۲ ماده ۵ توضیح داده شده است. سرمایه گذاران هر یک از طرفین که سرمایه گذاری های خود را در قلمرو طرف دیگر متحمل ضرر ناشی از جنگ، انقلاب، اختلال در امور داخلی و یا سایر رویدادهای مشابه می دانند، از طرف دیگر طرفداری از رفتار طرفین کمتر از آنچه که به سرمایه گذاران خود و یا سرمایه گذاران از هر کشور ثالث، هر کدام که مطلوب ترین مدل است، در مورد هر گونه اقداماتی که در رابطه با چنین تلفات اتخاذ می شود".

(www.investmentpolicyhub.com)

مهمترین توصیه های مشاوران اقتصادی ترکیه به سرمایه گذاران این کشور برای سرمایه گذاری در کشورهای آفریقایی را می توان در سه موضوع کلی قبل، هنگام و بعد از سرمایه گذاری تقسیم بندی کرد. مشاوران اقتصادی معتقدند که سرمایه گذاران باید قبل از سرمایه گذاری خود در کشورهای آفریقایی با استفاده از اقدامات خیریه و انسان دوستانه نظرات جامعه را به خود جلب کنند. از این روی ما شاهد حجم گسترده کمک های انساندوستانه شرکتهای سرمایه گذاری ترک در این بخش هستیم. ساخت

بیمارستان، مدرسه، کمک به ایجاد اشتغال پایدار و امنیت بخش مهمی از سرمایه گذاری های اولیه پیش از سرمایه گذاری اصلی در کشورهای آفریقایی است. در مرحله سرمایه گذاری اصلی، مشاوران اقتصادی ترکیه اداره کل صادرات به سرمایه گذاران ترک پیشنهاد می کنند با استفاده از یکی از شرکتهای صاحب نفوذ آفریقایی در آن کشور و یا با استفاده از سرمایه انجمن اقتصادی ترکیه و آفریقا و در برنامه های زیر بنایی قاره سرمایه گذاری کنند تا در صورت هرگونه خسران در سرمایه گذاری خود بتوانند اصل سرمایه و سود خود را اعاده کنند. مهمترین تلاش دولت ترکیه در گسترش شرکتهای سرمایه گذاری این کشور در مباحث انرژی، برق، آب و مبنای زیر بنایی آفریقا متمرکز شده است. این مشاوران در مرحله بعد از سرمایه گذاری، معتقدند که شرکتهای سرمایه گذاری بخش خصوصی ترکیه باید به دنبال ایجاد برنامه های بلند مدت حضور در آفریقا باشند. از این منظر تمام قراردادهای تعرفه ترجیحی، حفاظت از سرمایه گذاری، PPP و B.O.T در زمانبندی بالای ۱۰ سال تنظیم شده است. ترکیه در این زمینه در تلاش است تا میزان صنایع وابسته در کشورهای آفریقایی را گسترش دهد.



راهبرد دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آفریقا

۲-۵. مدل‌های دیپلماسی و مذاکرات اقتصادی ترکیه در آفریقا

ترکیه برای مذاکره با کشورهای آفریقایی چهار دسته شیوه مذاکرات و توسعه روابط را برای خود و در کارگروه‌های مورد توجه خود تعریف کرده است. این موضوع در تقسیم بندی دوگانه مورد اشاره نیز دیده می‌شود. شیوه‌های مذاکره ترکیه در آفریقا بر پایه‌های ثبات سیاسی، علاقه‌های فرهنگی، مشترکات تاریخی، منابع انرژی و نقش ژئوپولیتیک منطقه‌ای کشورهای آفریقایی تقسیم بندی می‌شود. این موضوع به آن معناست که شیوه‌های مذاکرات و توسعه‌های همکاری‌های ترکیه در آفریقا با توجه به نوع نیاز ترکیه به منافع کشورها و نوع راهبرد کشورها برای رهایی از مشکلات خود می‌توان تقسیم بندی شود.

اولین گروه کشورهای آفریقایی در مذاکرات و توسعه روابط ترکیه، کشورهای شمال آفریقا هستند. این کشورها دارای چند ویژگی منحصر به فرد هستند که باعث شده است از آنها به عنوان بخش مهمی از گسترش بازارهای ترکیه در آفریقا نام برده شود. مهمترین این ویژگیها در سه بخش فرهنگی-اقتصادی، سیاسی و ژئوپولیتیک تقسیم بندی می‌شود. این کشورها در گذشته بخش مهمی از مناطق تحت نفوذ امپراطوری عثمانی بودند و دارای منابع انرژی فراوان و از لحاظ اقتصادی جز کشورهای ثروتمند در آفریقا هستند. از لحاظ سیاسی جز لیبی، بقیه کشورهای این منطقه دارای دولت‌های تقریباً با ثباتی هستند. وجود این کشورها در خط ساحلی دریای مدیترانه و نزدیکی آنها به اروپا توانسته است ترکیه را در بستن قراردادها و افزایش مراودات تجاری با این کشورها راغب تر کند. حمل و نقل آسان کالا به این کشورها از یک سو و وجود مواد خام صنایع ترکیه از سوی دیگر این منطقه را به یکی از بازارهای اصلی کالاها و خدمات ترکیه تبدیل کرده است. از مهمترین کشورهای این منطقه که با ترکیه دارای مراودات تجاری هستند، می‌توان به مصر، الجزایر، تونس و مراکش اشاره کرد. در این میان مصر هرچند از لحاظ دیدگاه اخوانی با ترکیه اختلاف نظرهای زیادی دارد و از سال ۲۰۱۳ تا اوایل ۲۰۱۷ به خاطر حمایت ترکیه از دولت محمد مرسی مراودات اقتصادی خود با ترکیه را به حالت تعلیق درآورد اما از سال ۲۰۱۷ بیشترین مراودات تجاری را با آنکارا از آن خود کرده است. ترکیه با بستن قرارداد تجارت آزاد با سه کشور مصر، تونس و مراکش

توانسته است سهم خود را از بازارهای این سه کشور افزایش دهد. ما اگر بخواهیم مدل مذاکرات ترکیه را با این کشورها که عمدتاً "در شمال آفریقا هستند بررسی کنیم به دو مدل ذیل دست پیدا می‌کنیم.



مدل مذاکرات کشورهای نوع اول-مذاکرات نوع اول

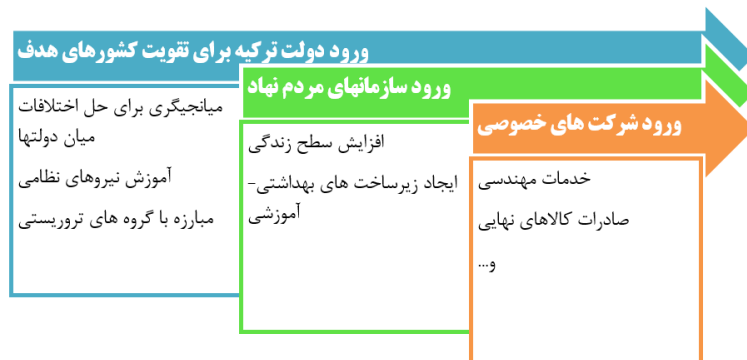


مدل مذاکرات کشورهای نوع اول-مذاکرات نوع دوم

دومین گروه کشورهای آفریقایی در برنامه تجاری ترکیه، کشورهایی هستند که از تجار ترک قبلاً به بازارهای آنها وارد نشده اند و دولت ترکیه سیاستگذار اصلی بازار در این کشورها به حساب می‌آید. این گروه، خود به سه دسته تقسیم می‌شود. ابتدا گروه کشورهای آفریقایی که ترکیه در آنجا اقدامات فراوان فرهنگی، اقتصادی و نظامی انجام داده است، کشورهایی است که اکثراً در حاشیه دریای سرخ و یا از اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی برخوردار هستند. این کشورها عمدتاً "از لحاظ سیاسی و امنیتی دچار بی ثباتی

نسبی هستند که نتیجه اقدامات کشورهای استعمارگر در این مناطق است. این بی ثباتی باعث شده است که از لحاظ اقتصادی ضعیف و از لحاظ فرهنگی در فقر فرهنگی به سر ببرند. عمده‌ی این کشورها دارای دین اسلام هستند و اشتراکات دینی بسیاری با دولت اردوغان دارند.

ترکیه در این مناطق با استفاده از سه راهبرد فرهنگی، امنیتی و توسعه‌ی خدمات مهندسی توانسته است به توسعه روابط خود بپردازد. ترکیه در این بخش به افزایش قدرت دولت های منطقه‌ای دست زده است که از مهمترین اقدامات آن می‌توان به میانجیگری میان کشورهای مصر و سودان، توسعه بندر سواکن سودان و ایجاد پایگاه نظامی و آموزش نیروهای نظامی این دولت‌ها در سومالی اشاره کرد. آن چیزی که در عمده این کشورها حائز اهمیت است، مسائل ژئوپولیتیک ساحلی در دریای سرخ است. دریای سرخ یکی از مهمترین گذرگاه های تجاری است که می‌تواند بر توزیع انرژی و کالا در سراسر جهان تأثیرگذار باشد. لذا آنکارا با استفاده از اقدامات خود در جهت تقویت دولت های آفریقایی توانسته است سطح امنیتی دریای سرخ را افزایش دهد. در این مدل مذاکرات اقتصادی ترکیه با این کشورها با رفع بحران های این کشور مانند بحران های مالی، امنیتی و توسعه ای آغاز می‌شود. در این مذاکرات ابتدا دولت ترکیه ورود پیدا می‌کند و با سیاست های حمایتی خود از دولت‌های این کشورها سازمان‌های دولتی را تقویت کرده و سپس سازمان‌های مردم نهاد و خیریه ای به حمایت از مردم این کشورها می‌پردازد. این اقدام باعث می‌شود تا شرایط برای سرمایه‌گذاری در این کشورها آماده شود. از نمونه های موفق این مدل مذاکره می‌توان به همکاری های اقتصادی- سیاسی میان ترکیه، سودان، سومالی و تانزانیا اشاره کرد.



مدل مذاکرات کشورهای نوع ۱-۲

دومین مدل از این مجموعه گروهی از کشورهای آفریقایی که ترکیه با آنها روابط تجاری و مرادات اقتصادی ایجاد کرده است، عمدتاً کشورهای مرکزی آفریقا است که تا حد زیادی از ثبات سیاسی نسبتاً ضعیفی برخوردارند، دارای دولت‌های ضعیف اما ارتش‌های قدرتمندی هستند. این کشورها اشتراک فرهنگی و تاریخی با ترکیه ندارند. اما از منابع انرژی بسیار زیادی برخوردارند. این موضوع باعث شده است که ترکیه از این کشورها به عنوان یکی از منابع مهم تأمین انرژی خود استفاده کند. از این کشورها می‌توان به نیجر و نیجریه اشاره کرد.

اکنون با سرمایه‌گذاری شرکت‌های خصوصی ترکیه مانند بوتاش، نیجریه به دومین تأمین‌کننده گاز این کشور بدل شده است و صادرات گاز مایع از این کشور به آنکارا از ۱.۱ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۵ به ۱.۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۷ رسیده است. آنچه در باره مدل اقتصادی مذاکرات ترکیه در این کشورها وجود دارد حضور همزمان شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد است. ترکیه با حمایت دولتی خود از شرکت‌های خصوصی و فرهنگسازی میان مردم این کشورها توسط سازمان‌های حمایتی مردم‌نهاد توانسته است، موافقت‌نامه‌های توسعه‌ی سرمایه‌گذاری و کمیسیون‌های تجاری-اقتصادی را با دولت‌های آفریقای مرکزی به امضا برساند.



مدل مذاکرات کشورهای ۲-۲

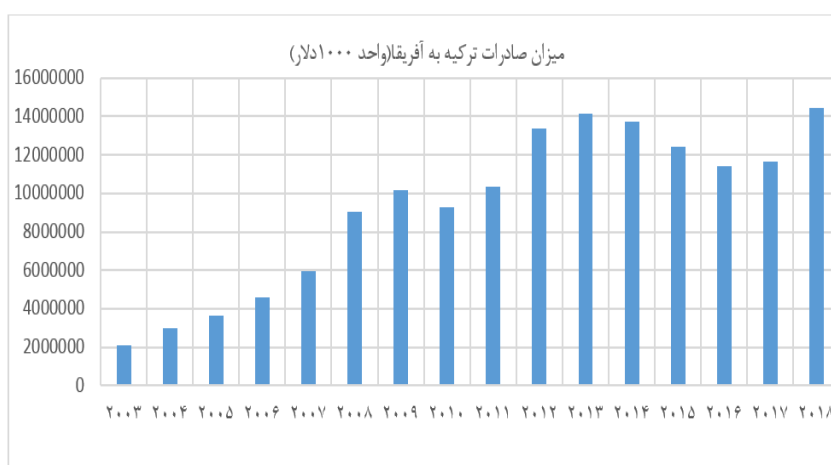
سومین گروه از دومین بخش کشورهای آفریقایی مورد مراد ترکیه، کشورهایی است که با ترکیه اشتراکات فرهنگی، تاریخی و مذهبی ندارند. این کشورها دارای ثبات سیاسی نسبتاً مناسبی هستند و همین ثبات سیاسی در کنار موقعیت جغرافیایی مناسب باعث شده است تا از ثروت مناسبی نیز برخوردار باشند. مهمترین این کشورها آفریقای جنوبی است که دومین کشور صادرکننده به ترکیه است. دولت ترکیه در مدل مذاکرات خود با این گروه از کشورها بیشتر سیاست حمایتی از شرکت های خصوصی را در پیش می گیرد و سعی می کند با توانمند سازی بخش خصوصی جایگاه مناسبی را در بازارهای این کشورها به خود اختصاص دهد. حضور شرکت های خصوصی ترکیه مانند سینتک^۱ و لیماک^۲ در این بخش با حمایت دولت این کشور همراه است. اکنون این شرکت ها با حمایت دولت ترکیه در کشور کنیا ۸۰ میلیون دلار و در کشورهای دیگر مانند ساحل عاج، گینه و موزامبیک ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری کرده اند. آنچه در مدل مذاکره در این بخش وجود دارد، حضور غیر مستقیم دولت ترکیه در مذاکرات اقتصادی شرکت های خصوصی ترک در این کشورها است.

۳-۵. ارزیابی سطح روابط اقتصادی ترکیه و آفریقا

بخش خصوصی ترکیه در سال های اخیر سرمایه گذاری در آفریقا را به شکل جدی دنبال کرده، هم اکنون رقم طرح های قراردادی این کشور در قاره آفریقا به بیش از ۵۵ میلیارد دلار

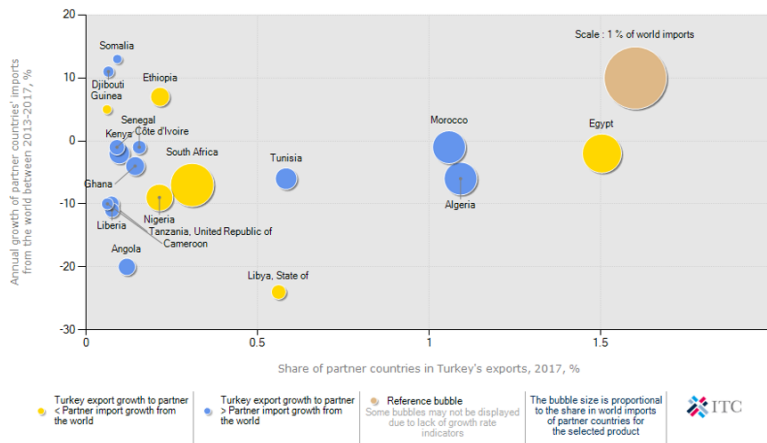
1. Sintek
2. Limak

رسیده و در نظر دارد با تشکیل پایگاه‌های راهبردی اقتصادی ویژه و با اتحاد اقتصادی با کشورهای قاره آفریقا، در بازار یک تریلیون دلاری این قاره حضور موثری داشته باشد. حجم تجارت و مبادلات اقتصادی بین ترکیه و کشورهای آفریقایی ۱۵ سال پیش حدود سه میلیارد دلار بود، ولی این رقم هم اکنون به ۱۷.۵ میلیارد دلار رسیده، میزان صادرات ترکیه به آفریقا از ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ به بیش از ۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده است (Aman, 2017: 401-403). همچنین رقم سرمایه‌گذاری مستقیم ترکیه از ۱۰۰ میلیون دلار در ۱۵ سال قبل به ۶.۵ میلیارد دلار افزایش یافته و علاوه بر این، ۴۷ توافق‌نامه همکاری اقتصادی و تجاری بین ترکیه و کشورهای آفریقایی به امضا رسیده است (www.unctad.org). این در حالی است که شرکت‌های هواپیمایی ترکیه هم اکنون پرواز مستقیم به ۶۲ نقطه در ۴۲ کشور این قاره را برقرار کرده است. در نمودار ذیل میزان صادرات و واردات ترکیه به آفریقا تا سال ۲۰۱۸ را مورد بررسی قرار می‌دهیم.



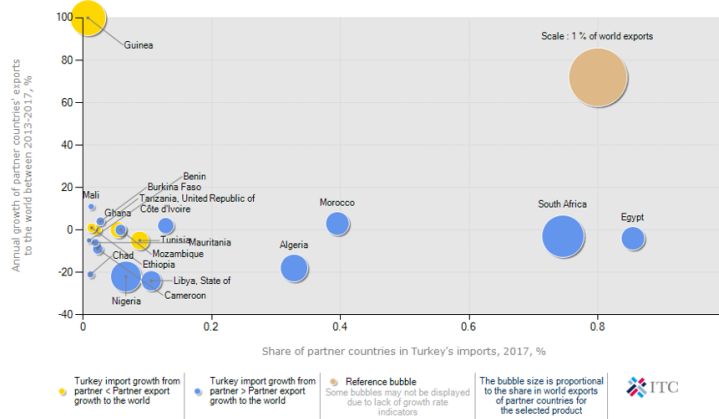
TTC

Prospects for market diversification for a product exported by Turkey in 2017
Product : TOTAL All products



نمودار صادرات ترکیه به آفریقا

Prospects for diversification of suppliers for a product imported by Turkey in 2017
Product : TOTAL All products



نمودار واردات ترکیه از آفریقا

گشایش ترکیه به سوی آفریقا هرچند از دیدگاه ترکیه موفق به حساب می آید، ولی در صورت مقایسه با اقدامات بازیگران دیگر سیاست بین الملل می توان این تحولات را ناکافی دانست. به خاطر اینکه ترکیه خود را یک بازیگر متوسط می دانست، در عرصه

کمک های انسانی، بهداشت و درمان، ارتباطات، انبوه سازی و آموزش متمرکز شد. بازی برد خود را به قدرت نرم خود اضافه کرد. (Çolak, 2012)

در آفریقا عرصه ها و بخش های زیادی به چشم می خورد که به صورت دست نخورده و خام موجود می باشد. چین، خلاء موجود را خیلی خوب پر می کند و ذخایر ارزی خود را در قاره سیاه به شکل سرمایه گذاری خرج می کند. این وضعیت باعث می شود آفریقا به عنوان یک بازیگر جدید در اقتصاد جهانی مشارکت کند. (Kakuchi, 2013) در این راستا ترکیه در کنار چین، هند، برزیل و کره جنوبی به عنوان یکی از پنج شریک نوظهور مطرح شده است. (Davies, 2008: 32) در صورت خراب شدن نماد چین در آفریقا ممکن است ترکیه مزیت بیشتری را کسب نماید و در چشم کشورهای قاره ارزشمند تر شود. (Boztaş, 2014:162) پس، سفر طولانی ترکیه در قاره آفریقا، بیم ها و امیدهای زیادی را به همراه دارد.

۶. نتیجه گیری

با بررسی الگوی توسعه روابط ترکیه در آفریقا و نگاهی گذرا به اقدامات این کشور در طول ۱۵ سال گذشته ما می توانیم دیدگاه منافع محوری را در تمام اقدامات سیاست اقتصادی ترکیه برای گسترش روابط خود با آفریقا بنگریم. این دیدگاه در چارچوب نگاه عثمانی گرایی نوین مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. ترکیه با توجه به نقاط قوت و ضعف خود توانسته است با استفاده از دیپلماسی فعال اقتصادی در آفریقا، این قاره را به عنوان یک راهبرد اساسی برای افزایش قدرت نرم و قدرت تأثیرگذاری خود در محیط بین المللی استفاده کند.

در واقع ورود آفریقا در سیاست کلی ترکیه برای تأثیرگذاری و تقویت نفوذ این کشور در دو سطح منطقه ای و بین المللی است که با شیئی ملایم و آرام شروع شده و روز به روز در حال سرعت گرفتن است برای کامل شدن. روند و رویه سیاستی که با توجه به نقش اردوغان و در محوریت قرار داشتن وی در تمام عرصه های مربوطه در ترکیه فضای مناسب همکاری میان سه بازیگر اصلی یعنی تصمیم گیران سیاسی-غیر نظامی، رهبران حزب عدالت توسعه و همچنین فعالان بخش خصوصی را فراهم کرده است.

می‌توان ادعا کرد سیاست خارجی ترکیه کنونی، تبدیل به یک ابزار سیاسی داخلی و خارجی مهم برای اردوغان در جهت پیشبرد تصمیمات و اهدافش شده است. ابزاری که پروژه پروسه‌ای نفوذ در آفریقا را نیز نه تنها شامل می‌شود، بلکه از اولویت‌های آن است. با توجه به نگاه استراتژیک نوعثمانی‌گری سیاستگذاران ترکیه به مباحث پیرامونی خود، حزب عدالت و توسعه آفریقا را به عنوان یکی از مراکز اصلی محیط پیرامونی جهت تثبیت و افزایش نفوذ خود در قلمرو سابق امپراطوری عثمانی بر می‌شمارد. در این مسیر اقتصاد به عنوان مهمترین روش ورود ترک‌ها به آفریقا از سوی دولت و بخش خصوصی این کشور مورد پذیرش قرار گرفت و این مسئله باعث شد تا ما شاهد روندها، اهداف و راهبردهای نفوذ گام به گام دولت و شرکت‌های ترکیه‌ای در کشورهای آفریقا باشیم. با توجه به منابع، افزایش بهبود فضای کسب و کار و موقعیت استراتژیک قاره آفریقا اردغان برای دسترسی به اهداف بلند پروازانه خود آفریقا را به عنوان مرکز اصلی فعالیت‌های اقتصادی ترکیه تبدیل کرده است. افزایش حضور نیروهای امنیتی ترک زبان، تقویت ارتش‌های کشورهای آفریقایی، کمک در راستای افزایش سطح بهبود زندگی مردم آفریقا در کنار توسعه هدفمند بخش انرژی در کشورهای آفریقایی مباحثی است که نشان می‌دهد آنکارا توانسته است تا حدودی به اهداف نفوذ خود در آفریقا دست یابد. اما افزایش سطح نارضایتی مردم ترکیه نسبت به دخالت‌های نظامی در کشورهای همسایه، کاهش سطح تولید ناخالص داخلی ناشی از جنگ سوریه و همه‌گیری کوید ۱۹ که به تضعیف اقتصاد ترکیه منجر شده است، کاهش ارزش لیر و مشکلات اقتصادی کشور که به کاهش ظرفیت‌های اقتصادی ترکیه منجر شده است، افزایش سطح حمایت‌های مردمی از رقبای حزب عدالت و توسعه و جریان حامیان غرب‌گرایی در ترکیه و وجود رقبای قدرتمندی مانند فرانسه، ایالات متحده و چین در آفریقا مسائلی است که می‌تواند آینده حضور ترکیه در آفریقا را تحت شعاع قرار دهد.

منابع

- بخشی، احمد. (۱۳۸۸). «بررسی تاریخی حضور ترکیه در قاره آفریقا»، *مطالعات آفریقا*، پاییز و زمستان، شماره ۲۰، صص. ۱۶۴-۱۲۱.
- داود اوغلو، احمد. (۱۳۹۵). عمق راهبردی، مترجم: محمد حسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موسوی شفقانی، سید مسعود. (۱۳۸۶). «دیپلماسی اقتصادی، ابزار نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن»، *پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶، صص. ۶۰-۳۹.

۱۳۴



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره اول، شماره

پیاپی چهل و

چهارم، بهار ۱۴۰۱

- Aydın, Hakan, (2014), “**Sosyal İnşacı Değişim: Türkiye ve Afrika İlişkileri**”, Kırklareli Üniversitesi Afrika Araştırmaları Uygulama ve Araştırma Merkezi, Analiz No: 4, 3-13.
- Beck, Martin, (2006), “**The Concept of Regional Power: The Middle East as a Deviant Case? Conference Paper Regional Powers in Asia, Latin America, the Near and Middle East**”, 11-12 December, GIGA German Institute of Global and Area Studies, 1-23.
- Boztaş, Asena, (2014), “**Avrupa-ABD-Rusya ve Çin Kıskaçında 21. Yüzyıl Afrika Sömürgeciliği**”, 21. Yüzyılda Sosyal Bilimler, Sayı 6, Aralık-Ocak-Şubat, pp. 155-169.
- Çolak, Fadime Gözde (2012), ‘Turkey’s African Opening: Limits and Potential’, *The Jerusalem Review*, 19,9,2012.
- Davies, Desmond, (2008), “**Turkey embarks on expansion in Africa**”, North & South Magazine, October 2008, V.2, No.10, 32.
- Demir, Sertif (2016), *Turkey's Foreign Policy and Security Perspectives in the 21st Century: Prospects and Challenges*, Universal-Publishers.
- Habiyaremye, Alexis ve Oğuzlu, Tarık, (2014), “Engagement With Africa: Making Sense of Turkey’s Approach in the Context of Growing East-West Rivalry”, *Uluslararası İlişkiler Dergisi*, Volume 11, No. 41, pp. 65-85.
- Platt, Stephen (2017), *Turkey: East meets West*, Cambridge.
- Shillington, Kevin (2013), *Encyclopedia of African History 3-Volume Set*, Routledge.
- Uchegara, Kieran, (2008), “Continuity and Change in Turkish Foreign Policy Toward Africa”, *Gazi Akademik Bakış*, Vol. 2, No 3, pp. 43-64.

- Agreement Establishing A Free Trade Area Between The Arab Republic Of Egypt And The Republic Of Turkey, (2000)
- Aman, Abdulkadir Wahab (2017), "The distribution and determinants of Turkey's FDI positions in Africa", **Turkish Economic Review**, <http://www.kspjournals.org/index.php/TER/article/view/1525/1625>
- Baranay, Pavol (2009), "Modern Economic Diplomacy", in: http://www.dec.lv/mi/Baranay_Pavol_engl.pdf.
- Kakuchi, Suvendrini, (2013), "Japan Seeks to Remain Asia-Africa Relationship", Inter Press Service News Agency, 4 June 2013, <http://www.ipsnews.net/2013/06/japan-seek-to-remake-asia-africa-relationship/>
www.mfa.com
- Otty, Mark ve Ajen, Sita, (2011), "It's Time for Africa", Ernst&Young's Africa Attractiveness Survey, EY Building a Better Working World, <http://www.ey.com/za/en/issues/business-environment/2011-africa-attractiveness-survey>
- Özkan, Mehmet (2012), 'Türkiye'nin Afrika'da artan rolü: Pratik çabalar ve söylem arayışları', **Ortadoğu Analiz**, C 4, Sayı 46. www.orsam.org.tr
- Ploae, Catalin (2010), "Recent Trends of Commercial Diplomacy in the Balkans Area", in: <http://idec.gr/iier/new/3rd%20Panhellenic%20Conference.pdf>.
- Sklias, Pantelis, Roukanas Spyros and Victoria Pistikou (2012), "China's Economic Diplomacy: A Comparative Approach to Sino-Greek and Sino-Turkish Relations", **International Journal of Business and Social Science**, Vol. 3, No. 10.
- Unctad, (2018), World Investment Report. https://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2018_overview_en.pdf
- Wheeler, Tom, (2012), "Turkey Rising: A New Global Player", South African Institute International Affairs (SAHA), <http://www.saiia.org.za/feature/turkey-rising-a-new-global-player.html>
- USAD (2017), "2017 World Population Data Sheet With A Special Focus On Youth"
https://assets.prb.org/pdf17/2017_World_Population.pdf
- African Development Bank Group (2017), African Economic Outlook 2017, https://www.afdb.org/fileadmin/uploads/afdb/Documents/Publications/AEO_2017_Report_Full_English.pdf

- Britannica (2020), Economy of Africa, <https://www.britannica.com/place/Africa/Economy>
- The Japan Times (2020) "As Africa looks for clean power, interest in nuclear grows". The Japan Times. 10 April 2020. Retrieved 7 July 2021. <http://www.africaneconomicoutlook.org/en/data-statistics/table-7-exports-2010>
- Faria, Julia (2021), "Oil and natural gas industry in Africa - statistics & facts", <https://www.statista.com/topics/7493/oil-and-natural-gas-industry-in-africa/#dossierKeyfigures>
- UNCTAD (2019), "World Investment Report 2019", https://unctad.org/system/files/official-document/wir2019_en.pdf

۱۳۶



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره اول، شماره

پیاپی چهل و

چهارم، بهار ۱۴۰۱